

مدیریت جرائم ارزی در پرتو یافته‌های جرم‌شناسی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰ * محمدعلی حاجی ده‌آبادی *

محمد رضا فرهنگد**

چکیده

اهمیت رسیدگی به جرائم ارزی و آثار نامطلوب ناشی از گسترش این قبیله جرائم و ارتباط آن با تحکیم ارکان اقتصادی نظام‌های سیاسی حاکم، قانونگذار را بر آن داشته که با اتخاذ تدابیر ویژه مبتنی بر شدداد و غلاظ کیفری، به تقابل با هنجارشکنان این عرصه مبادرت ورزد؛ لذا هرچند بررسی و تحلیل سیاست کیفری کشور در خصوص تبیین نحوه تقابل کیفری با جرائم ارزی در متون علمی متعدد مورد بررسی قرار گرفته، لیکن بررسی این سیاست‌ها از حیث انطباق با نظریات و استانداردهای موجود در حوزه جرم‌شناسی و ارائه راهکار علمی و عملی در راستای مدیریت خطر این جرائم از منظر جرم‌شناسی، تاکنون مورد توجه متخصصان قرار نگرفته است. در این مقاله ضمن تبیین مختصر نحوه تقابل کیفری با این جرائم، سیاست‌های حقوقی و قضائی متخذه از حیث انطباق با نظریات جدید حاکم در حوزه جرم‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت راهکارهای مقتضی در مدیریت جرائم ارزی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: جرائم ارزی، بانک مرکزی، برچسب‌زنی، تسامح صفر، عدالت ترمیمی

*. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم (Dr_hajidehabadi@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم.

مقدمه

ماهیت جرائم ارزی و آثار نامطلوب ناشی از ارتکاب این جرائم بر پیکره اقتصاد کشور از یک سو و شرایط خاص حاکم بر منابع ارزی کشور از سوی دیگر، قانونگذار را بر آن داشته که با به کارگیری اهرم‌های کیفری، به صیانت از حریم نظام ارزی کشور اقدام نماید. این شداد و غلاظ سنتی و ارتباط موضوع با حقوق ملت و دولت، مستلزم آن است که در بوته علوم جدید کیفری به نقد گذاشته شده و ضعف و قوت آن به نحو شفاف تبیین گردد. محدودیت حاکم بر منابع ارزی، شرایط ویژه کشور از حیث استمرار عملی تحریم‌ها و سوءاستفاده برخی از اشخاص از این شرایط، قانونگذار را به سوی افزایش اهرم‌های کیفری در برخورد با این جرائم سوق داده؛ به گونه‌ای که در حال حاضر حتی نگهداری ارز بیش از سقف معین شده توسط بانک مرکزی، به موجب قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز، جرم‌انگاری گردیده است. همچنین با توجه به نقش ویژه اداره حقوقی بانک مرکزی در اتخاذ استراتژی قضایی در برخورد با جرائم ارزی، بررسی نحوه عملکرد این مرجع از حیث انطباق با مؤلفه‌ها و استانداردهای ناظر بر علوم کیفری و نظریات جرم‌شناسی حائز اهمیت است. شدت عمل قانونگذار و نیز شدت عمل مجریان با گرایش به سیاست تسامح صفر، به گونه‌ای است که امکان بررسی راهکارهای جایگزین در برخورد با این جرائم به فراموشی سپرده شده است. این در حالی است که آثار و تبعات ناشی از ورود برچسب مجرمانه به اشخاص و تبعات اجتماعی و اقتصادی ناشی از برخورد شدید و اعمال سیاست تسامح صفر در مواجهه با این جرائم و توجه به روند رو به رشد استفاده از ظرفیت‌های عدالت ترمیمی و سایر استانداردهای علمی موجود در علوم کیفری، ذهن را به سوی طراحی یک سازوکار مبتنی بر مؤلفه‌های تخصصی جرم‌شناسی در راستای مقابله علمی و عملی با این جرائم سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که طی این مدل می‌توان با بهره‌گیری از پتانسیل موجود در نصوص قانونی موجود و عنداللزوم رفع برخی موانع حقوقی، نه تنها نظام قضایی، بلکه نظام اقتصادی و بانکی کشور و نهایتاً جامعه را نیز از آثار و نتایج مطلوب آن بهره‌مند ساخت. لذا در این

مقاله ضمن تشریح وضعیت موجود و تلاش در جهت تبیین نحوه مقابله علمی با جرائم ارزی، با تشریح نظریات جرم‌شناسی قابل‌ارائه در این حوزه و استفاده از دستاوردهای تئوریک ناظر بر نحوه برخورد فنی با مجرمان جرائم ارزی و با تبارشناسی علمی این مجرمان، راهکار دقیق مبتنی بر تئوری‌های علمی برای پیشگیری و مقابله با این جرائم ارائه گردیده و با پرهیز از ارائه نظریات غیرکاربردی و با تکیه بر واقعیات موجود، راهکار مقتضی جهت پیشگیری و درمان جرائم ارزی ارائه شده است.

۱. بررسی جرم‌شناختی جرائم ارزی از منظر جرم‌شناسی علت‌شناسی

۱.۱. بررسی اجمالی موضوع ارز در متون قانونی

۱.۱.۱. تعریف ارز

در نظام بانکداری بین‌المللی ارز به معنای پول خارجی به کار رفته و در مقابل پول داخلی، هرنوع پول خارجی پول بیگانه یا ارز نامیده می‌شود. بند یک ماده ۲ قانون اجازه تفتیش و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به وسیله کمیسیون نرخ اسعار مصوب ۶ و ۷ اسفند ماه ۱۳۰۸ در تعریف ارز معنای موسعی را مد نظر داشته، لیکن متعاقباً در تبصره ماده یک قانون معاملات اسعار خارجی مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۱۴ آمده است که نقود خارجی اعم از فلزی یا کاغذی اسعار محسوب می‌شود. قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۱ که امروزه نیز معتبر می‌باشد، در ماده ۷ خود به تعریف دارایی‌های ارزی کشور پرداخته است. براساس ماده مزبور دارایی‌های ارزی عبارت است از:

۱. اسکناس‌های خارجی قابل تبدیل مورد قبول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. مطالبات ارزی که به سررسید آنها بیش از شش ماه نمانده باشد.
۳. هرگونه پرداخت بابت سهمیه و یا سرمایه به صندوق بین‌المللی پول یا بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و یا مؤسسات مشابه یا وابسته به آنها طبق قوانین مربوطه.
۴. اسناد صادر یا تضمین‌شده از طرف سازمان‌های رسمی بین‌المللی و مؤسسات وابسته به آنها.

۵. اسناد صادر یا تضمین شده از طرف دولت‌های خارجی.
۶. مطالبات ارزی یا مطالبات ریالی قابل تبدیل به ارز خارجه که بر اثر اجرای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی یا پرداخت پایاپای حاصل شده باشد تا حدود پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه‌های مزبور.
۷. اسناد بازرگانی عهده اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی به ارز قابل تبدیل و دارای سه امضای معتبر که یکی از آنها امضای بانک واگذارکننده باشد و به سررسید آنها بیش از شش ماه نمانده باشد.
۸. اوراق و اسناد بهادار خارجی قابل تبدیل به ارزهای مورد قبول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۹. موجودی حساب حق برداشت مخصوص در صندوق بین‌المللی پول طبق قوانین مربوط.

همچنین مطابق ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور:

الف) بانک مرکزی ایرانی مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری براساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد.

ب) هدف بانک مرکزی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.

مطابق بندهای «ج» و «ه» ماده ۱۱ و بند «ج» ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی، تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی و نظارت بر معاملات ارزی و همچنین نظارت بر صدور و ورود ارز و تنظیم مقررات مربوط به آن و نگاهداری کلیه ذخایر ارزی کشور، در زمره وظایف انحصاری بانک مرکزی به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری و متولی امور ارزی کشور می‌باشد. براساس همین جایگاه قانونی نیز این بانک اقدام به تدوین مقررات ارزی کشور در هفت بخش راجع به تمامی امور

و مسائل مربوط به ارز، از جمله موضوع واردات کالا و نحوه اختصاص ارز به این بخش نموده که در حال اجرا بوده و در تمامی مراجع قانونی قابل استناد و معتبر است.

۱.۱.۲. جایگاه قانونی بانک مرکزی در ساماندهی نظام ارزی کشور

قانونگذار با درکی دقیق از شرایط کشور و با عنایت به شرح وظایف و صلاحیت‌های تخصصی و اختصاصی بانک‌های مرکزی در کشورهای پیشگام در صنعت بانکداری، کارکرد ویژه‌ای برای بانک مرکزی به عنوان متولی نظام پولی کشور تعیین کرده و با نظر داشت به مصالح کلی نظام اقتصادی کشور، تکالیف و اختیارات گسترده‌ای برای این بانک در مدیریت مسائل ارزی کشور در نظر گرفته؛ به گونه‌ای که طی ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور تصریح نموده است:

الف) بانک مرکزی ایرانی مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری براساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد.

ب) هدف بانک مرکزی ایران حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است.

بند ج ماده ۱۱ قانون مزبور نیز بر تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار تأکید ورزیده است. نظارت بر معاملات ارزی بر عهده بانک مرکزی است. مطابق بند ج ماده ۱۲ قانون یادشده، نگاهداری کلیه ذخایر ارزی و طلای کشور بر عهده بانک مزبور می‌باشد.

لذا با توجه به مطالب فوق و با نظر به مفاد بندهای «ج» و «ه» ماده ۱۱ و بند «ج» ماده ۱۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی، تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی، نظارت بر معاملات ارزی و همچنین نظارت بر صدور و ورود ارز و تنظیم مقررات مربوط به آن و نگاهداری کلیه ذخایر ارزی کشور در زمره وظایف انحصاری بانک مرکزی به عنوان تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری و متولی امور ارزی کشور

می‌باشد. براساس همین جایگاه قانونی این بانک اقدام به تدوین مقررات ارزی کشور در هفت بخش راجع به تمامی امور و مسائل مربوط به ارز، از جمله موضوع واردات کالا و نحوه اختصاص ارز به این بخش نموده که در حال حاضر در تمامی مراجع قانونی، اعم از ملی و بین‌المللی قابل استناد، معتبر و تعیین‌کننده رکن مادی بسیاری از جرائم در حوزه ارزی است.

۱.۲. جرائم ارزی در نظام حقوقی کنونی کشور

۱.۲.۱. مصادیق جرائم ارزی در ماده ۴۲ قانون پولی و مالی کشور و قانون

تعزیرات حکومتی ۱۳۶۷

مطابق بند الف ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور خرید و فروش ارز و هرگونه عملیات بانکی که موجب انتقال ارز یا تعهد ارزی گردد یا ورود و خروج ارز یا پول رایج کشور بدون رعایت مقرراتی که بانک مرکزی به موجب ماده ۱۱ این قانون مقرر نموده است، ممنوع بوده و متخلفان به جزای نقدی تا معادل پنجاه درصد موضوع تخلف محکوم خواهند شد. توضیح اینکه مطابق تبصره ذیل این ماده تعقیب کیفری در موارد فوق منوط به شکایت بانک مرکزی ایران است. مجازات موضوع این ماده در حال حاضر راجع به تخلفات ارزی واردکنندگان کالا که قبل از تصویب قانون تعزیرات حکومتی ارتکاب یافته‌اند، قابل اعمال است.

از سوی دیگر قانون تعزیرات حکومتی در تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۷۳/۷/۱۹ نیز توسط مجمع اصلاح گردید. ماده یک این قانون اشعار می‌دارد: «با توجه به ضرورت و کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت‌گذاری و ضوابط توزیع، متخلفان از اجرای مقررات براساس مواد این قانون تعزیر می‌شوند». در ماده ۱۰ نیز تصریح می‌نماید: «عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی عبارت است از تخلف از ضوابط و مقررات تعیین‌شده دولت در مورد واردات که منجر به عدم اجرای تعهدات و یا کاهش کمی یا کیفی کالا و یا خروج ارز از کشور گردد. تعزیرات عدم

اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی به شرح زیر می‌باشند: جریمه معادل تفاوت نرخ ارز یا نرخ رایج در بازار و یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات، تعلیق کارت بازرگانی از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار از یک سال تا ابطال و در صورت وقوع سوءاستفاده علاوه بر مجازات‌های فوق، جریمه تا پنج برابر مبلغ سوءاستفاده».

این قانون در حال حاضر در حوزه جرائم ارزی، با توجه به مقررات ارزی حاکم، در رابطه با تخلفات ارزی واردکنندگان کالا قابل اعمال است. تخلفات مزبور خود مشتمل بر سه قسم تخلف مستقل تحت عناوین: بیش‌بود ارزش، کسر تخلیه و عدم ارائه پروانه سبز گمرکی است. همچنین به موجب بند یک ماده یک قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن» جرم تلقی گردیده و حسب بند و همین ماده «اقدام باندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت گذاری کالاهای صادراتی و...» نیز جرم انگاری گردیده است. طبق ماده ۲ این قانون: «هریک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیراین صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد، حکم خواهد داد». طبق تبصره ۵ ذیل ماده ۲: «هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم، قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد». حسب تبصره ۶ نیز دادگاه انقلاب به عنوان مرجع رسیدگی به این جرائم مکلف گردیده به موضوع، خارج از نوبت

رسیدگی نماید. بنابراین شدت نظری و عملی قانونگذار در برخورد با این جرائم و پیش‌بینی مجازات‌هایی از قبیل اعدام و حبس بیست‌ساله برای این جرائم، لزوم بررسی دقیق موضوع از حیث انطباق با استانداردهای علمی جرم‌شناسی را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد.

۱.۲.۲. سایر جرائم ارزی

غیر از جرائم ارزی یادشده، طیف دیگری از جرائم مرتبط با ارز و مقررات ارزی نیز در نظام حقوقی کشور وجود دارد که تخلفات صرافی‌ها از مقررات ابلاغی بانک مرکزی، تخلفات بانک‌ها از مقررات ارزی کشور، تخلفات و جرائم مرتبط با شرایط ویژه ناشی از تحریم‌های غرب علیه ایران، خریدوفروش ارز خارج از شبکه بانکی و بیرون از سیستم صرافی‌های مجاز، اشتغال به عملیات ارزی در قالب صرافی و غیره بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی و سایر تخلفات و جرائم مرتبط با ارز و مسائل ارزی نیز در طیف جرائم ارزی طبقه‌بندی می‌شوند. توضیح اینکه با توجه به محدودیت منابع ارزی کشور و ورود دولت و بانک مرکزی به حوزه مالکیت اشخاص بر نقود و اسناد ارزی مآلاً مالکیت مطلق اشخاص بر ارزشهای خریداری‌شده با قیودات متعدد مقرراتی تقیید گردیده و براین‌اساس جرائم ارزی در زمره جرائم علیه اموال و مالکیت قابل‌بررسی نیست. به‌عبارت‌دیگر با توجه به آثار و تبعات سوء این جرائم و لطمات ناشی از آن به نظم ارزی و اقتصادی کشور، طبقه‌بندی این جرائم در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی مقرون به صلاح به نظر می‌رسد؛ همچنان‌که در حقوق انگلستان و کشورهای دیگر ملهم از نظام حقوقی کامن‌لا، از این جرائم مجموعاً تحت عنوان offence against the security of state نام برده می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۸: ۱۷).

۱.۳. تبارشناسی مجرمان ارزی

تبارشناسی در تمامی مراحل منتهی به عدالت کیفری مفید خواهد بود (Typologies
Seattle University of Crime J. B. Helfgott) برخورد‌های سریع، قاطع و بعضاً

خشن با جرائم ارزی، مجالی برای بررسی موضوع تبارشناسی و طبقه‌بندی مرتکبان این جرائم فراهم نساخته و ازسوی دیگر طیف گسترده جرائم موصوف و تبعاً حجم و طیف مرتکبان این اعمال، انجام دقیق و علمی یک طبقه‌بندی فنی مبتنی بر یافته‌های علمی را با دشواری مواجه می‌سازد. بدین توضیح که گستردگی این تخلفات باعث گردیده اشخاص زیادی اعم از تاجران ثروتمند و صرافان حرفه‌ای تا خرده‌فروشان ارز در خیابان مشمول این عناوین مجرمانه گردند و بدین ترتیب مرتکبان این جرائم در هر دو سر طیف طبقه‌بندی رایج در جرم‌شناسی قرار دارند. یعنی هم یقه‌سفیدهای حرفه‌ای و هم یقه‌آبی‌های اتفاقی ممکن است در زمره مرتکبان این جرائم باشند؛ لیکن با توجه به میزان، حجم و اهمیت جرائم ارتكابی توسط مجرمان یقه‌سفید و نیز آثار نامطلوب ناشی از اعمال این اشخاص بر نظام اقتصادی کشور، شایسته است که جرائم ارزی ارتكابی توسط حرفه‌ای‌های این عرصه یعنی تجار، صرافان، سوءاستفاده‌کنندگان از شرایط تحریمی و سایر اشخاصی که در حجم وسیع به عملیات ارزی اشتغال دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این میان قرار دادن همه اشخاص ثروتمند و هوشمندی که مرتکب تخلف ارزی شده‌اند در گروه مجرمین یقه‌سفید نیز قضاوتی عجولانه است؛ زیرا بسیاری از جرائم و تخلفات ارزی از قبیل بیش‌بود ارزش، کسر تخلیه و عدم ارائه پروانه سبز گمرکی در زمره جرائم مادی صرف بوده و به‌صرف ارتكاب و صرف نظر از قصد و انگیزه، مرتکبان به مجازات مقرر محکوم خواهند شد. این در حالی است که شرایط خاص کشور یا مشکلات قراردادی ممکن است نقش مهمی در به وجود آمدن این تخلف داشته باشند. ازسوی دیگر برخی از اشخاص در قالب‌های مختلف با سوءاستفاده از وضعیت ایجادشده در نظام ارزی بر اثر تحریم‌های غرب علیه نظام بانکی، به نقض نظام‌مند مقررات ارزی مبادرت می‌ورزند. با توضیحات اخیر، جرائم ارزی را می‌توان در زمره جرائم مبتنی برای کیو طبقه‌بندی نمود؛ عدم خشونت، عدم جلب توجه، هوش بالا، پیچیدگی عملیات اجرایی، حفظ ظواهر قانونی و نقض روح آن و سوءاستفاده از اعتماد

طرف مقابل، از ویژگی‌های مرتکبان این جرائم است. آنان از نظر سیاسی اقتصادی یا اجتماعی دارای نفوذ زیادی هستند و به اعتبار وضع آراسته ظاهری، از یقه‌آبی‌ها قابل تشخیص هستند (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲۳۹-۲۵۴). تجارب حاصل از تجزیه و تحلیل رفتار این اشخاص پس از دستگیری و نحوه تعامل آنان با کنشگران رسیدگی قضائی در طول اجرای تشریفات قانونی نیز مبین انطباق رفتارهای آنان با معیارهای مجرمین یقه‌سفید است؛ به گونه‌ای که حفظ ادب، استمرار ادبیات قانون‌مدار، هوشمندی در دفاع از اقدامات مجرمانه و سایر رفتارهای این اشخاص مثبت این انطباق است.

همچنین شخصیت مجرمان ارزی در قالب تحلیل اقتصادی جرم نیز قابل بررسی است؛ بدین توضیح که این قبیل رفتار مجرمانه در قالب یک رفتار عقلانی انجام می‌شود؛ یعنی مجرم باهوش با بررسی همه جوانب امر و محاسبه سود و زیان و به عنوان یک انسان اقتصادی دست به انتخابی عقلانی می‌زند. تلقی ارتکاب جرم به عنوان منبعی برای کسب درآمد در حال گسترش است (نعیمی، ۱۳۹۴: ۳۲۳-۴۶۷) و هرچه درآمد ناشی از جرم بیشتر باشد، مطلوبیت آن هم بیشتر خواهد بود (همان). شایان ذکر است در تحلیل اسلامی رفتار مجرمانه علاوه بر آثار دنیوی، تبعات اخروی آن نیز مدنظر جرم‌شناسان مسلمان قرار دارد و در این تحلیل، تخطی هزینه‌ای جز سقوط از آدمیت به حیوانیت و واگذاری انسان به حال خود از جانب پروردگار و سخط او برای آدمی در پی نخواهد داشت که این همان خسارت عظیم و خسارت مبین است (حاجی ده‌آبادی و حائری، ۱۳۸۹: ۲۴۶-۳۶۵).

۱.۴. بررسی جرائم ارزی از منظر بزه‌دیده‌شناسی

در بسیاری از جرائم ارزی می‌توان بانک مرکزی را به عنوان بزه‌دیده اصلی این جرائم دانست. قانونگذار نیز با نظر داشت به همین رویکرد به موجب ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی، جرائم این حوزه را به شکایت این بانک منوط نموده و رویه قضائی کشور نیز بر همین مبنا پرونده‌های پولی و بانکی را متعاقب وصول شکایت بانک مرکزی تعقیب و استرداد شکایت

توسط این بانک را از موجبات موقوفی تعقیب محسوب می‌نماید. لیکن رفتار دست‌اندرکاران عدالت کیفری با این نوع بزه‌دیدگی تابع نظام خاصی نیست؛ به نحوی که کسی با بزه‌دیده دولتی همدردی نمی‌کند؛ حتی پلیس نیز با بزه‌دیده دولتی شفقت کمتری دارد (حسینی و قورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۹-۴۰). این در حالی است که در بسیاری از موارد دقت، ظرافت و درعین حال پیچیدگی موجود در طراحی جرائم از سوی مجرمان یقه‌سفید به میزانی است که هر شخص حقیقی و حقوقی را به اغوا وامی‌دارد. از سوی دیگر توجه به این نکته نیز لازم است که شخصیت حقوقی، موجودی اعتباری است که در عالم واقع به وسیله اشخاص حقیقی متعارف اداره می‌شود و ناگزیر فریب خوردن متخصصان و مدیران اداره‌کننده اشخاص حقوقی، امری محتمل است. براین اساس بزه‌دیدگی بانک مرکزی امری است که در عمل ملازمه تام و منطقی با ویژگی‌های بزه‌کاران یقه‌سفید دارد. بانک مرکزی به عنوان بزه‌دیده دولتی در عمل با رفتاری غیرقابل پیش‌بینی از سوی مقامات قضائی مواجه خواهد شد؛ بزه‌دیده‌ای که اصولاً نظام حقوقی کشور، هیچگاه با استانداردهای ناظر بر بزه‌دیده‌شناسی با وی مواجه نمی‌شود و در بهترین حالت به استناد قانون مزبور به مثابه شاکی، وی را به رسمیت می‌شناسد. لیکن بزه‌دیدگی بانک مرکزی در جرائم ارزی در پرتو برخی نظریات حوزه بزه‌دیده‌شناسی قابل تحلیل است. برای نمونه نظریه مدل و شیوه زندگی که توسط فردسن و هیندلانگ مطرح گردیده، در پی آن است که چرا برخی افراد و گروه‌ها بیشتر در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. مطابق این دیدگاه، بزه‌دیدگی براساس سبک زندگی افراد و رفتار و کردار آنان در زندگی متغیر است (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳: ۴۴۴). در این راستا تجربه حاصل از شرکت در روند پیگرد قضائی یکی از مجرمان ارزی، مبین آن است که در یکی از جلسات دادگاه از سوی خانواده متهم مطرح شد که این واقعه بر اثر آن است که بانک... سفره‌اش باز بوده است که تحلیل همین جمله می‌تواند موضوع یک مقاله مستقل علمی باشد. لذا در این مقال می‌توان بر مبنای این تجربه

عینی به این نکته توجه داشت که سبک مدیریت و نحوه تقابل و پیشگیری نظام‌مند و انجام و استقرار سیستم کنترل داخلی قوی یکی از مسائلی است که در سبک زندگی هر شخصیت حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به عبارت دیگر سبک زندگی شخص حقوقی نیز از سوی مجرمان محاسبه‌گر مورد آنالیز دقیق واقع شده و ضعف‌های آنان مورد تهاجم مجرمان واقع خواهد شد. پس براساس این تحلیل رفتارهای روزمره اشخاص حقوقی نیز می‌تواند موجبات تحریض مجرمان به انجام عملیات مجرمانه را فراهم سازد؛ لذا سبک زندگی بزه‌دیده می‌تواند در شتاب‌دهندگی بزه‌دیده در ارتکاب جرم مؤثر باشد (جوان جعفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳: ۱۲۷-۱۵۴) که براین اساس انجام بازرسی‌های مداوم، تقویت کنترل‌های داخلی، تشدید نظارت دستگاه‌های نظارتی، کاستن محدوده‌های آماج جرائم ارزی، انسداد گریزگاه‌های مقرراتی، عدم اعتماد به ظواهر فردی و اجتماعی اشخاص، بررسی مفاد قراردادهای منعقدۀ توسط متخصصان و سایر احتیاطات منطقی و تخصصی می‌تواند زمینه‌های کاهش جرائم ارزی در کشور را فراهم سازد.

۲. مواجهه با جرائم ارزی از منظر اصول جرم‌شناسی

۲.۱. پرهیز حداکثری از برچسب‌زنی در جرائم ارزی

خوش‌نامی و حسن شهرت، عمود خیمه فعالیت‌های اقتصادی برای هر تاجر محسوب می‌شود و برهمین اساس هر مسئله‌ای که این مؤلفه استاندارد را لکه‌دار سازد، موجبات ایجاد اخلال یا حتی نابودی فعالیت‌های حرفه‌ای تاجر را فراهم خواهد آورد. در آموزه‌های اسلامی نیز حسن شهرت و نام نیک به عنوان مؤلفه و عنصر اساسی در زندگی اجتماعی افراد مورد حمایت شارع قرار گرفته و ذیل عنوان لسان صدق یا همان نیک‌نامی مباحث، احکام و دستورهای دقیق و ظریفی در کتاب و سنت در این خصوص وارد شده است؛ به نحوی که حضرت ابراهیم (ع) با عبارت «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعرا: ۸۴) نام نیک و

نیک‌نامی را از محضر پروردگار متعال درخواست می‌کند و در آیات و روایات متعدد نیز با درج ضمانت اجراهای اخروی انجام هرگونه اقدام عملی و شفاهی که موجبات لک‌ه‌دار ساختن حیثیت فردی و اجتماعی اشخاص را فراهم کند، با عکس‌العمل شارع مقدس مواجه گردیده است. نظریه تعامل‌گرایی به‌عنوان یکی از شاخصه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، نگرش انتقادی خود را از این مکتب وام گرفته است (شاملو و محتشمی، ۱۳۹۱: ۴۴۴). ازسوی دیگر مطابق آموزه‌های موجود در نظریه برجسب‌زنی هرچند میان مبانی این نظریه با مبانی اسلامی از حیث عدم پذیرش جرم در چهارچوب این نظریه به‌عنوان یک واقعیت عینی، سنخیتی وجود ندارد (حسینی، ۱۳۹۱: ۴۴۴)، ورود اشخاص به چرخه رسمی تعقیب کیفری و انجام رویه برجسب‌زنی موجبات ورود برجسب مجرمانه و درنهایت بدنامی اشخاص را فراهم می‌سازد. آثار و تبعات ناشی از فرایند بدنام شدن برای تجار و بازرگانان به‌مراتب صعب‌العلاج‌تر است؛ به‌نحوی که ترمیم بقایای آثار ننگ حرفه‌ای و بازگشت او به جایگاه اعتباری سابق امری دشوار و گاه محال است. این مشکلات می‌تواند با نابودی تولیدکننده‌ها یا توزیع‌کننده‌ها و به تبع آن مشکلات تأمین اجتماعی همراه باشد (غمامی و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۴۴۴) و برهمین اساس است که مؤلفه‌ها، ضوابط و استانداردهای موجود در حقوق رقابت نیز به حمایت از حقوق ناظر بر خوش‌نامی تاجر پرداخته و براین اساس صیانت از نام نیک و حسن شهرت تجاری بازرگانان مورد حمایت مقنن نیز قرار گرفته است. لذا براین اساس و در پرتو نتایج حاصل از نظریه برجسب‌زنی و جهت پرهیز از بدنامی و ورود تاجر به عرصه فرایند رسمی کیفری، لازم است با بهره‌گیری از این فراورده‌های غنی علمی و در راستای بهره‌گیری از آموزه‌های عدالت ترمیمی شرایط لازم از طریق اصلاح قوانین و مقررات کنونی یا تفسیر صحیح مقررات قانونی فعلی اقدامات حقوقی لازم در جهت صیانت از حیثیت حرفه‌ای تاجر انجام گیرد. بدین توضیح که بانک مرکزی به‌عنوان شاکی این جرائم و متعاقباً مرجع قضائی باید در بررسی‌های خود ضوابط ناظر از

نحوه پیشگیری از بدنامی تجار و تعیین نحوه بازگشت آنان به نظام اقتصادی را فراهم آورند و قبل از هرگونه اقدام نهایت دقت‌های تخصصی در اتخاذ تصمیمات را اعمال و تبعات اجتماعی و اقتصادی آن در زندگی متهمان را نیز ارزیابی نمایند.

۲.۲. برخورد با جرائم ارزی با رویکرد تسامح صفر

ایالات متحده آمریکا جهت مبارزه با افزایش روزافزون خشونت در دهه نود، سیاستی به نام تسامح صفر را اتخاذ نموده است. این سیاست پاسخی بود به نگرانی شهروندان در مورد امنیت مدارس، مبارزه با حمل سلاح و مواد مخدر، آشوب و رفتارهای ضداجتماعی. تأکید این سیاست بیشتر بر کشف تمامی جرائم از طریق بازرسی هرچه بیشتر شهروندان است؛ چیزی که تا اندازه‌ای در تضاد با حقوق شناخته‌شده شهروندی در جوامع غربی است و به همین جهت به شدت مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. سیاست تسامح صفر از حیث ارزیابی نتایج حاصله نیز دارای موافقان و مخالفانی است و گزارش‌های مثبت و منفی در این مورد وجود دارد. مفهوم تسامح صفر مفهومی تصنعی و غیرواقعی است؛ زیرا هیچ نیروی پلیسی نمی‌تواند تمامی قانون‌شکنان را بازداشت کند (جفری رسن، ۱۳۸۴: ۹۹۹) منتقدان سیاست تسامح صفر، تهاجمی بودن و غیرقطعی بودن نتایج حاصل از سیاست تسامح صفر را از دلایل مخالفت خود با این سیاست می‌دانند.

Jayne Marshall-Australian Institute of Criminology

برخورد قضائی با تخلفات ارزی کم‌اهمیت و کوچک در جهت پیشگیری از تبدیل تخلفات به رویه تجاری و ایجاد قبح اجتماعی با ورود این تخلفات به پروسه قضائی با رویکرد جلوگیری از بروز جرائم مهم ارزی از قبیل اخلال در نظام ارزی کشور، یکی از رویکردهایی است که در پرتو این سیاست قابل تحلیل است. برخورد سریع پلیس با خرده‌فروشان ارز، به‌ویژه در مقاطع بروز بحران‌های ارزی در کشور و نیز طرح شکوائیه توسط اداره حقوقی بانک مرکزی و کشاندن جرائم خرد به پروسه قضائی، نشانه‌هایی است دال بر تسامح صفر در برخورد

با برخی از جرائم ارزی. همچنین برخورد با صرافی‌های متخلف و ورود آنان به عرصه تعقیب رسمی کیفری متعاقب تخلف آنان از مقررات ابلاغی بانک مرکزی نشانه دیگری از تسامح صفر با متخلفان ارزی است. این در حالی است که بانک مرکزی به موجب دستورالعمل اجرائی تأسیس فعالیت و نظارت بر صرافی‌های مصوب سال ۹۳ شورای پول و اعتبار اختیارات گسترده‌ای در برخورد غیرقضائی با متخلفان ارزی را داراست که این مجازات‌های انتظامی طیف وسیعی از برخوردها از ضبط ضمانت‌نامه تا لغو مجوز صرافی را در بر می‌گیرد؛ لیکن اصرار بانک مرکزی در تعقیب کیفری موضوع علاوه بر برخوردهای انتظامی، نمونه دیگری از اعمال سیاست تسامح صفر در برخورد با متخلفان ارزی محسوب می‌گردد.

۲.۳. روند رسیدگی مک‌دونالدی به جرائم ارزی

مک‌دونالدی کردن، فرایندی اداری است که در آن اصول رستوران‌های فست‌فود اعمال می‌شود. مک‌دونالدی کردن چندین نهاد اجتماعی، به دلیل برتری‌های آن بر سایر روش‌های نسبتاً قدیمی تجارت موفق بوده است. نهادهای اجتماعی مک‌دونالدی‌شده، تابع مقررات و منطق به مفهوم ماکس وبری آن شده‌اند؛ بنابراین کارایی، قابلیت محاسبه، قابلیت پیش‌بینی و کنترل افراد، اغلب با فناوری‌های ماشینی، در آنها افزایش یافته است. ویژگی دیگر این فرایند که ضعف اساسی نهادهای مک‌دونالدی‌شده نیز هست، غیرعقلانی بودن است که «ریتزر» از آن به «غیرعقلانی بودن منطقی» یاد می‌کند (بوهم، ۱۳۸۹، ۴۴۴). عدالت کیفری مک‌دونالدی نظم و قانون را به عنوان ارزش‌های ابزاری بر دیگر ایدئال‌های جایگزین همچون عدالت و آزادی ترجیح می‌دهد (همان). آثار نامطلوب ناشی از جرائم ارزی و عکس‌العمل شدید دولت‌ها نسبت به جرائم علیه نظام ارزی در بسیاری مواقع موجبات نادیده گرفته شدن سایر ابعاد موضوع و عدم انطباق رویه‌های قضائی با استانداردها و دستاوردهای علوم کیفری نو را فراهم می‌سازد. مداخله رسانه‌ها در روند رسیدگی قضائی، ژورنالیستی شدن موضوع و فشار افکار عمومی برای اعلام و اجرای هرچه سریع‌تر آرای صادره، زمینه لازم برای شتاب‌زدگی محاکم و سایر کنشگران

عرصه تقابل با جرائم ارزی را فراهم می‌سازد. در کشور ما نیز بازتاب‌های رسانه‌ای و نیز در برخی موارد الزام بانک مرکزی به طرح شکایت علیه متهمان از سوی دستگاه‌های نظارتی، فرصت را برای بررسی دقیق و همه‌جانبه موضوع کاهش داده و همین مؤلفه‌ها در تعجیل قضائی در صدور رأی نیز بی‌تأثیر نیست. عدم توجه به شخصیت مرتکب، بی‌توجهی به اوضاع و احوال کشور در زمینه ارزی و تأثیر آن بر ارتکاب این جرائم، عدم امکان دقیق سوءنیت متهم و صدور رأی نهایی بر این اساس موجبات ایجاد نوعی عدالت کیفری کامپیوتری در حوزه حقوق بانکی را ایجاد کرده است. این در حالی است که توجه به زمینه‌های ارتکاب جرائم ارزی، رعایت دقیق حقوق دفاعی متهم و سایر مؤلفه‌های منتهی به ارتکاب جرم در صدور رأی عادلانه نقشی مؤثر خواهد داشت و قانونگذار نیز با واگذاری نقش شاکی به بانک مرکزی در جرائم ارزی به موجب ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی، با نظر داشت به تخصص این بانک در مدیریت منابع ارزی ضمن توجه به اصل اقتضای تعقیب، تشخیص لزوم یا عدم لزوم تعقیب قضائی این جرائم را به این بانک واگذار نموده است. به عبارت دقیق‌تر، مقنن با توجه به پیچیدگی‌های موجود در جرائم ارزی و دشواری تحلیل آن برای قاضی و حتی کارشناسان دادگستری، با طراحی یک مرحله پیشاقتضائی و واگذاری بررسی تخصصی پرونده به نهاد متخصص این امر، یعنی بانک مرکزی، زمینه را برای ارتقای سطح کیفی رسیدگی قضائی و جلوگیری از مکانیزه شدن عدالت کیفری در حقوق بانکی فراهم آورده است. لیکن وجود سایر مؤلفه‌ها و اثرگذاری آن بر روند بررسی تخصصی موضوع توسط بانک مرکزی، در عمل در برخی پرونده‌ها موجبات دور شدن از غرض مقنن را فراهم می‌سازد. نیروی انتظامی شکایتی مبنی بر تخلف ارزی را به بانک مرکزی ارسال می‌دارد و حوزه نظارت این بانک با بررسی موضوع و محمول و تشریح ماوقع، پرونده را به حوزه حقوقی ارجاع داده و این حوزه نیز اقدام به طرح شکایت علیه متهم ارزی، و مرجع قضائی نیز حکم به محکومیت مطابق موازین قانونی را به استناد شکایت و نظریه بانک مرکزی صادر می‌کند. این همان عدالت کامپیوتری بدون توجه به ضوابط انسان‌شناسی و

جرم‌شناسی است. قاضی بر مبنای اوراق پرونده و با نگاهی به صفحات مجموعه قوانین کیفری، «بی‌انضباطی را به محاصره عظمت قانون درمی‌آورد» (فوکو، ۱۳۹۷: ۴۴۴) و این آن استاندارد مدنظر جرم‌شناسان نیست. کاهش بار تراکم پرونده‌های کیفری، کاستن از پرونده‌های ورودی به دستگاه قضائی و واگذاری رسیدگی به برخی تخلفات به نهادهایی خارج از قوه قضائیه در زمره پیشنهاد‌های علمی ناظر بر افزایش کیفیت رسیدگی به تخلفات است. در کشور ما نیز ردپایی از این نگرش به تخلفات در قانون پولی و بانکی کشور موجود است؛ به گونه‌ای که به موجب ماده ۴۴ قانون مزبور رسیدگی به تخلفات مدیران نظام بانکی به نهادی تخصصی به نام هیئت انتظامی بانک‌ها مستقر در بانک مرکزی واگذار گردیده و براین اساس، ابلاغ، احضار، روند رسیدگی، صدور و اجرای حکم در قضائی تخصصی و با تکیه بر گزارش‌های فنی واصله و استماع دفاعیات تیم حقوقی و فنی متهمان و به دور از پروپاگاندای رسانه‌ای و با حضور نمایندگان سه قوه در ترکیب هیئت مذکور انجام می‌پذیرد. این اقدام ضمن تأمین بسیاری از مؤلفه‌های مدنظر علم جرم‌شناسی، در بسیاری موارد ضمن صدور حکم محکومیت برای متهمان با ایجاد شرم بازگرداننده، زمینه را برای استمرار ارائه خدمات تخصصی جهت مدیران نظام بانکی فراهم ساخته و در پاره‌ای موارد نیز با تشخیص خطر بالقوه ادامه حضور وی در حوزه نظام بانکی، حکم به سلب صلاحیت حرفه‌ای او به صورت دائم یا موقت صادر می‌شود. لذا این الگو برای برخی تخلفات دیگر حوزه پولی و بانکی، از جمله جرائم ارزی نیز قابل اجراست؛ به نحوی که قانونگذار می‌تواند در خصوص جرائم ارزی نیز در مواردی همچون تخلفات بازرگانان از مقررات ارزی، صلاحیت رسیدگی صدور و اجرای احکام، این قبیل تخلفات را به بانک مرکزی و در نهادی با حضور نمایندگان سایر قوا واگذار کند.

۲.۴. بررسی امکان پیشگیری از جرائم بانکی با روش ترمیمی

یافته‌های حاصل از تحقیق انجام شده توسط مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا به سرپرستی دکتر راشل اسمیت با عنوان عدالت ترمیمی با رویکرد کنترل جرائم اقتصادی، حاکی از آن است که

اجرای سیستم عدالت کیفری و توسل به اجرای حبس‌های طویل‌المدت صرف‌نظر از عدم تأثیر در کاهش نرخ تکرار برخی جرائم اقتصادی، موجبات تأثیر نامطلوب بر خانواده مجرم، هدر رفتن مهارت‌های شغلی و ظرفیت‌های شخصی او و تأثیرات نامطلوب عاطفی و اثر نامطلوب بر وضعیت حرفه‌ای شرکای شغلی او را فراهم می‌آورد. براین اساس ورود مجرمان اقتصادی به پروسه عدالت ترمیمی به‌عنوان جایگزین یا روش موازی با سایر روش‌های محدودکننده مجرم پیشنهاد گردیده است. دکتر اسمیت براین اساس و با توجه به تبعات نامطلوب ناشی از اجرای سیستم کیفری تأکید ورزیده با ورود مجرم به روند ترمیمی و اجازه دادن به او برای توضیح دادن رفتار ارتكابی، علت و آثار رفتار نامطلوب مجرم اقتصادی تبیین می‌شود و موجبات ایجاد شرمساری مفید و توانمندسازی مجرم و بزه‌دیده فراهم می‌آید. او در پاسخ به این انتقاد که مقابله نرم اصولاً یک مجازات حقیقی نیست، پاسخ می‌دهد در نظام ترمیمی ممکن است پنل‌ها تأثیر عمیقی بر متهم بگذارند و در پاسخ به این روش که در برخی جرائم اصولاً بزه‌دیده‌ای وجود ندارد، می‌گوید در بسیاری موارد منافع جامعه مورد تعرض قرار گرفته، پس جامعه به عنوان بزه‌دیده قابل شناسایی است. او تأکید دارد اجرای این روش، کاهش نامطلوب مجازات بر بی‌گناهی چون کارکنان شرکت، شرکای تجاری مرتکب و سهامداران را فراهم می‌سازد (راشل اسمیت، عدالت ترمیمی با رویکرد کنترل جرائم اقتصادی، مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا).

۲.۵. رد پای عدالت ترمیمی در تقابل با واردکنندگان متخلف

قاعده واردات ایجاب می‌کند به میزان ارز خارج شده از کشور، کالا به میزان ارز مذکور به کشور وارد شود و در این راستا سند مثبت ورود کالا به کشور عبارت است از پروانه سبز گمرکی؛ لذا با توجه به اهمیت موضوع، قانونگذار عدم رعایت ملزومات این قاعده را جرم‌انگاری نموده و در این راستا در بخش هفتم از مجموعه مقررات ارزی ذیل عنوان مهلت ارائه پروانه گمرکی ورود کالا آمده است:

مهلت ارائه پروانه سبز گمرکی ورود کالا از تاریخ واریز/ظهورنویسی اسناد حداکثر به مدت

سه ماه خواهد بود.

در صورت درخواست واردکننده، تمدید مهلت ارائه پروانه سبز گمرکی در صورت ارائه اسناد و مدارک مثبت مبنی بر ورود کالا به گمرک حداکثر به مدت ۳ ماه از انقضای مهلت ۳ ماه اولیه (مجموعاً ۶ ماه) با رعایت سایر مقررات بلامانع خواهد بود.

تمدید مهلت ارائه پروانه سبز گمرکی علاوه بر مهلت مقرر فوق در صورت صلاحدید و تشخیص (عنداللزوم با اخذ نظر بخش حقوقی) بانک عامل رأساً مورد رسیدگی و اقدام لازم قرار گیرد.

بدیهی است در مواردی که واردکننده در مهلت‌های مقرر اعطایی جهت ارائه پروانه سبز گمرکی نسبت به ارائه اسناد و مدارک مثبت حاکی از ورود و ترخیص کالا اقدام ننماید، بانک عامل موظف است ضمن ضبط وثیقه مأخوذه (موضوع تبصره ۴ ذیل بند (ی) بخش اول مجموعه مقررات ارزی)، مراتب را طبق بند ۱۴ این مجموعه پیگیری نماید؛ و در بند اخیرالذکر ذیل عنوان نحوه انعکاس موضوع تعهد ارزی (شامل عدم ارائه پروانه گمرکی ورود کالا، کسر تخلیه و بیش بود ارزش) اشعار گردیده در صورتی که حسب مورد برای مهلت‌های تعیین شده در بند ۲ واردکننده اقدامی برای رفع تعهد ننموده باشد (عدم ارائه پروانه سبز گمرکی) یا پروانه سبز/مدلول سند گمرکی ارائه شده دارای کسر تخلیه باشد یا حسب اعلام دفتر تعیین ارزش گمرک جمهوری اسلامی ایران اعتبار/برات اسنادی دارای بیش بود ارزش باشد، لیکن واردکننده از بابت جبران آن هیچ گونه اقدامی در جهت اجرای یکی از بندهای ۶ یا ۷ یا ۱۳ به عمل نیاورده باشد، می‌بایست به شرح ذیل اقدام گردد:

۱۴-۱- درخصوص تعهدات ارزی قبل از ۱۳۸۱/۱/۱ آن بانک کماکان مکلف است ضمن در جریان قرار دادن واردکننده از موضوع عدم ایفای تعهد ارزی، اطلاعات لازم مطابق فرم نمونه پیوست شماره ۵ همراه با یک نسخه از تصاویر اعلامیه فروش ارز صادره و فرم تعهدنامه مأخوذه (فرم نمونه پیوست شماره ۱) را به این بانک اعلام و ارسال نمایند.

۱۴-۲- با عنایت به سیاست تک‌نرخی ارز از سال ۱۳۸۱ و اینکه از تاریخ مزبور، بانک‌های عامل، گشایش اعتبار اسنادی/ثبت سفارش بروات وصولی اسنادی/حواله را به نرخ روز به انجام

می‌رسانند. در صورتی که وارد کنندگان به تعهد ارزی خود مبنی بر ورود/ترخیص کالا و ارائه پروانه سبز گمرکی عمل ننموده‌اند، بانک گشاینده اعتبار مکلف است ضمن ارسال فرم تکمیل شده پیوست شماره ۵ به بانک مرکزی، مراتب را توسط بخش حقوقی خود رأساً از طریق مراجع ذیصلاح (سازمان تعزیرات حکومتی استان) پیگیری و نسبت به تعقیب قضائی متعهدین ارزی اقدام و پس از حصول نتیجه مطلوب این بانک را مطلع نمایند.

بدیهی است آن بانک در صورت لزوم می‌تواند به منظور اخذ راهنمایی و مشورت‌های لازم در روند پیگیری پرونده‌ها، در مورد نحوه بررسی اسناد، تنظیم شکایت، مراجع ذیصلاح رسیدگی کننده و چگونگی پیگیری پرونده‌ها و... مراتب را از مدیریت کل حقوقی این بانک استفسار نمایند (مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی بخش هفتم).

همان گونه که ملاحظه می‌گردد، بانک مرکزی علی‌رغم ذی‌حق بودن جهت طرح آنی شکوائیه در مراجع ذی‌ربط علیه متخلفین ارزی، می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های موجود در متون قانونی و درج آن در مقررات ابلاغی مستظهر به اجازه حاصل از مادتين ۱۱ و ۱۰ قانون پولی و بانکی، با پیش‌بینی راهکارهای مختلف جهت جبران خسارت توسط اشخاص موصوف و طراحی مکانیزم‌هایی از قبیل برگشت ارز توسط متخلف به سیستم بانکی، ارائه گواهی فروش ارز به بانک و حتی ارسال نامه برای شخص متخلف و دعوت از وی برای حل و فصل موضوع، قبل از طرح شکوائیه توسط اداره حقوقی، با تنزل مفهوم بزه‌کار به جایگاه بدهکار، گامی مؤثر در جهت تحقق اهداف و برنامه‌های عدالت ترمیمی بردارد؛ مدلی که طی آن هرچند با توجه به عدم اثبات انجام بزه توسط فرد، اطلاق عنوان بزه‌کار بر وی اصولاً صحیح نمی‌باشد، لیکن در عمل می‌توان جلسات مشترک میان بانک و متخلف را پل بزه‌دیده - بدهکار نام نهاد. به عبارت دیگر با اجرای مکانیزم‌های مندرج در مجموعه مقررات موصوف، بانک مرکزی می‌تواند با بهره‌گیری عملی از توصیه‌های عدالت ترمیمی و عدم اصرار بر اجرای عاجل سیستم کیفری سنتی، ضمن برخورداری از مزایای روش ترمیمی از بروز تبعات ناشی از ورود برچسب مجرم و

متخلف بر اشخاص و پیشگیری از تشکیل حجم وسیعی از پرونده‌های جرائم ارزی از سایر آثار و نتایج سوء ناشی از ورود اشخاص به روند تعقیب کیفری نیز جلوگیری نماید.

۲.۶. آنالیز نحوه برخورد با صرافان متخلف از منظر جرم‌شناسی

مطابق تبصره یک ذیل ماده ۹۶ قانون برنامه پنجم توسعه «ایجاد و ثبت نهادهای پولی و اعتباری از قبیل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، تعاونی‌های اعتبار، صندوق‌های قرض‌الحسنه، صرافی‌ها و شرکت‌های واسپاری (لیزینگ‌ها) و همچنین ثبت تغییرات نهادهای مذکور فقط با اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است»؛ لذا بانک مرکزی با اجازه حاصل از قانون مزبور دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها را طی ۴۸ ماده در سال ۹۳ به تصویب شورای پول و اعتبار رسانده است. به موجب ماده ۴۲ دستورالعمل مزبور مجازات‌های انتظامی مختلف و متعددی برای صرافان متخلف از مقررات ابلاغی از سوی بانک مرکزی تعیین گردیده که این طیف از اقدامات تنبیهی مشتمل است بر تذکر کتبی، اخطار کتبی، محرومیت از برخی از فعالیت‌ها، تعلیق فعالیت صرافی، سلب صلاحیت مدیران صرافی و النهایه ابطال مجوز صرافی؛ لذا براین اساس حوزه نظارت بانک مرکزی با بررسی اسناد و مدارک و بازرسی‌های منظم دوره‌ای ضمن کنترل فعالیت صرافی‌ها از حیث انطباق با قوانین و مقررات، در صورت برخورد با موارد تخلف حسب مورد مجازات متناسب با تخلف ارتكابی را اعمال می‌نماید که این سبک اقدام ضمن کاهش از بار تورم پرونده‌های ورودی به محاکم دادگستری، موجبات رسیدگی تخصصی و اختصاصی به موضوع و تعیین مجازات متناسب را فراهم می‌سازد و ازسوی دیگر با عدم ورود پرونده به سیکل رسمی کیفری، از ورود برچسب مجرمانه به متخلفین جلوگیری می‌گردد که این رویکرد در انطباق با نظریه تعامل‌گرایی و استانداردهای ناظر بر جلوگیری از به جای ماندن لکه مجرمیت در سابقه اجتماعی و قضائی اشخاص ارزیابی می‌گردد. لیکن در موارد سوءاستفاده کلان توسط صرافی‌ها، بانک مرکزی علاوه بر استفاده از ظرفیت‌های

انضباطی موجود در مقررات به شرحی که گذشت، موضوع را تحت عناوین مجرمانه‌ای همچون اخلال در نظام اقتصادی کشور به مرجع قضائی نیز منعکس و با به‌کارگیری اهرم‌های کیفری در بازگرداندن نظم مختل شده نقش مهمی را ایفا می‌نماید. توضیح اینکه اداره حقوقی بانک مرکزی متعاقب بررسی ماهوی گزارش واصله از حوزه نظارت و با تشخیص انطباق نحوه اقدامات با یکی از عناوین مجرمانه با تکیه بر دستاوردهای سیاست تسامح صفر با انعکاس فوری موضوع به دادسرای تخصصی رسیدگی به جرائم پولی و بانکی، نسبت به پیگیری قضائی موضوع اقدام می‌نماید. به عبارت دیگر این نحوه اقدام هرچند از حیث انعکاس سریع موضوع و پیگیری آن تا اعمال مجازات برای مجرمان و اجرای دقیق مجازات‌ها با سیاست تسامح صفر قابل انطباق است؛ لیکن به نظر می‌رسد با توجه به اینکه این سیاست از رهگذر تئوری پنجره‌های شکسته و با رویکرد برخورد کیفری با جرائم خرد نضج گرفته، در صورتی می‌توان این نحوه اقدام اداره حقوقی بانک مرکزی را با این رویکرد منطبق دانست که کوچک‌ترین تخلفات و جرائم نیز بدون اغماض و بدون توجه به ابعاد موضوع به مرجع قضائی منعکس گردد. این در حالی است که این اقدام یعنی انعکاس تخلفات خرد در قالب اعمال مجرمانه به مرجع قضائی به رغم انطباق با معیارهای سیاست تسامح صفر، با استانداردهای موجود در حوزه جرم‌شناسی درخصوص تفکیک و طبقه‌بندی جرائم، لزوم توجه به شخصیت مجرمان، لزوم توجه به اوضاع و احوال حاکم بر هر پرونده و سایر استانداردها و ضوابط علمی سازگاری ندارد. لذا بر همین مبنا و در راستای جلوگیری از مکانیزه شدن تقابل با مجرمان در حوزه ارزی، لازم است که حوزه حقوقی بانک مرکزی با بررسی دقیق هر پرونده و با بهره‌گیری از نظر متخصصان حوزه جرم‌شناسی، استراتژی متناسب در برخورد با مجرمان را یافته و براساس آن اقدامات مقتضی اعم از انتظامی یا قضائی را پیگیری کند.

نتیجه

بانک مرکزی به عنوان متولی امور پولی و بانکی کشور و حاکم مبسوط‌الید در زمینه اعمال سیاست‌های ارزی، اختیارات گسترده‌ای را به استناد قوانین موضوعه کشور در خصوص تنظیم و تنسيق بازار ارز داراست. مادتين ۱۰ و ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور متضمن تبیین بخشی از شرح وظایف و صلاحیت‌های این بانک در حوزه مسائل ارزی است و برابر بند «ج» ماده ۱۱ قانون مزبور تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی نیز در زمره صلاحیت‌های بانک مزبور قرار داده شده است. حتی در خصوص جرائم حوزه ارزی نیز عملاً این بخشنامه‌های بانک مرکزی است که اجزای اصلی رکن مادی این قبیل جرائم را مستنداً به ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی تعیین می‌نماید. بانک مرکزی با اجازه حاصل از مفاد مندرج در صدر ماده اخیرالذکر مقررات حاکم بر خرید، فروش، ورود و خروج ارز را تدوین و ابلاغ می‌کند. ازسوی دیگر قانونگذار طرح شکایت و به جریان انداختن روند تعقیب کیفری مجرمان حوزه ارزی کشور را نیز در ید بانک مزبور قرار داده؛ به عبارت دیگر مقنن با نظر داشت به تخصص این بانک در مدیریت منابع ارزی ضمن توجه به اصل اقتضای تعقیب، تشخیص لزوم یا عدم لزوم تعقیب قضائی این جرائم را به این بانک واگذار نموده است. به عبارت دقیق‌تر مقنن با توجه به پیچیدگی‌های موجود در جرائم ارزی و دشواری تحلیل آن برای قاضی و حتی کارشناسان دادگستری، با طراحی یک مرحله پیشاقتضائی و واگذاری بررسی تخصصی پرونده به نهاد متخصص این امر، یعنی بانک مرکزی، زمینه را برای ارتقای سطح کیفی رسیدگی قضائی و جلوگیری از مکانیزه شدن عدالت کیفری در حقوق بانکی را فراهم آورده است. لیکن وجود سایر مؤلفه‌ها و اثرگذاری آن بر روند بررسی تخصصی موضوع توسط بانک مرکزی، در عمل در برخی پرونده‌ها موجبات دور شدن از غرض مقنن را فراهم می‌سازد. نیروی انتظامی شکایتی مبنی بر تخلف ارزی را به بانک مرکزی ارسال می‌دارد و حوزه نظارت این بانک با بررسی موضوع و محمول و تشریح ماوقع، پرونده را به حوزه حقوقی ارجاع داده و این حوزه نیز نسبت به طرح شکایت علیه متهم ارزی اقدام و مرجع قضائی نیز حکم به محکومیت مطابق موازین قانونی را به استناد شکایت و نظریه

بانک مرکزی صادر می‌کند. اهمیت جرائم ارزی و آثار کلان آن بر نظام اقتصادی کشور و ازسوی دیگر وجود مجازات‌های سنگین از جزای نقدی تا حبس‌های طولانی مدت و اعدام برای این جرائم و حساسیت افکار عمومی و تأثیر آن بر صدور احکام عادلانه، لزوم استفاده از نظریات و دستاوردهای جرم‌شناسی در روند مدیریت این جرائم را بیش‌ازپیش نمایان ساخته است. لذا بررسی روند کنونی ناظر بر نحوه رسیدگی به این جرائم و انطباق آن با رویکردهای مختلف موجود در زمینه جرم‌شناسی امری ضروری بوده و امید است که این مقاله فتح بابی باشد در جهت استفاده از این فراورده‌های علمی در حوزه رسیدگی به جرائم ارزی. نتایج حاصل از این مقاله حاکی از آن است که انجام اقدامات مرتبط با پیشگیری وضعی مبنی بر انجام بازرسی‌های مداوم، تقویت کنترل‌های داخلی، تشدید نظارت دستگاه‌های نظارتی، کاستن محدوده‌های آماج جرائم ارزی، انسداد گریزگاه‌های مقرراتی، عدم اعتماد به ظواهر فردی و اجتماعی اشخاص، بررسی مفاد قراردادهای منعقدۀ توسط متخصصان حقوقی و سایر احتیاطات منطقی و تخصصی می‌تواند موجبات کاهش جرائم ارزی در کشور را فراهم سازد. ازسوی دیگر استفاده از دستاوردهای نظام عدالت ترمیمی نیز می‌تواند در مدیریت جرائم ارزی، جبران خسارت‌های وارده بر نظام ارزی کشور و پیشگیری از ورود برچسب مجرمانه به اشخاص فاقد سابقه کیفری نقش مهمی را ایفا نماید. در نظر گرفتن مجازات‌های جایگزین حبس و اعمال مجازات‌های اجتماعی نیز می‌تواند در راستای انطباق سیاست کیفری با موازین جرم‌شناسی به‌عنوان یک پیشنهاد علمی به مقنن ارائه گردد. همچنین اعطای اختیارات قانونی به بانک مرکزی در راستای رسیدگی به جرائم ارزی ضمن کاستن از بار پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه و با تأمین بسیاری از مؤلفه‌های مدنظر علم جرم‌شناسی، زمینه ارتقای سطح کیفی رسیدگی‌های تخصصی را فراهم خواهد ساخت. آگاه‌سازی مردم از مقررات ارزی و تبیین امکان ورود ناخواسته اشخاص به پروسه رسیدگی قضائی بر اثر عدم آگاهی از این مقررات نیز می‌تواند در پیشگیری از بروز این جرائم نقش اساسی ایفا کند.

منابع

الف) فارسی و عربی

قرآن کریم

۱. بوهم، رابرت، (تابستان ۱۳۸۹)، «مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری»، ترجمه حسین غلامی و یوسف بابایی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، ص ۱۵۳-۱۸۵.
۲. تولیت، سید عباس، (زمستان ۷۷)، «ضابطه و مفهوم مستثنیات دین»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۱۹-۵۳.
۳. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و فرهاد شاهیده، (تابستان ۱۳۹۳)، «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرائم جنسی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۷، ص ۴۱-۷۱.
۴. _____، (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، ص ۱۲۷-۱۵۴.
۵. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و سید احسان حائری، (بهار ۱۳۸۹)، «بررسی هزینه‌های جرم با نگرش اسلامی»، مجله حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، ص ۳۳-۶۰.
۶. حسینی، سید محمد و مجید قورچی بیگی، (بهار ۱۳۹۴)، «تحلیل بزه‌دیده‌شناختی جرائم یقه‌سفیدها»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۹-۴۰.
۷. حسینی، سید محمد، (زمستان ۱۳۹۱)، «بررسی نظریه برجسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)، دوره ۴۲، شماره ۴، ص ۱۱۷-۱۳۶.
۸. رسن، جفری، (۱۳۸۴)، «نگاهی به سیاست تسامح صفر»، ترجمه جلال‌الدین قیاسی، فصلنامه فقه و حقوق، شماره ۴، ص ۱۷۳-۱۸۴.

۹. سلیمی، صادق، (زمستان ۱۳۸۷)، «مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق سابق)، دوره ۳۸، شماره ۴، ص ۲۳۹-۲۵۴.

۱۰. شاملو، باقر و ندا محتشمی، (زمستان ۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی دو نظریه تعامل گرایی و پنجره های شکسته و تأثیر آنها بر سیاست جنایی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲، ص ۱۵۸-۱۲۳.

۱۱. غمامی، سید محمد مهدی و محسن اسماعیلی، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی نظام حقوقی رقابت در ایران و فرانسه»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۳۲، ص ۱۸۸-۱۵۳.

۱۲. فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه، (۱۳۹۷)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران: نی.

۱۳. مجموعه مقررات ارزی بانک مرکزی.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و گروهی از نویسندگان، (۱۳۵۴-۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۵. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۸)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان، چاپ سی و هشتم.

۱۶. نعیمی، سید مرتضی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «تحلیل اقتصادی رفتار بزهکار و تبیین بازدارندگی مجازات»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، ص ۲۲۹-۲۰۳.

۱۷. (ب) انگلیسی

18. Restorative Justice Approaches to economic crimes control-Dr

Russell G. Smith principal criminologist.

19. Jayne Marshall-Australian Institute of Criminology

20. Typologies of Crime

25. J. B. Helfgott